

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۷



سبیل‌هایت را بیّا، استیلتن!

جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۷

سیل‌هایت را بیا، استیلتن!



جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز
مترجم: فریبا چاوشی

Geronimo Stilton names, characters and related indicia are copyright, trademark and exclusive license of Atlantyca S.p.A. All Rights Reserved.
The moral right of the author has been asserted.

Text by Geronimo Stilton
Original cover by Matt Wolf; revised by Larry Keys
Illustrations by Larry Keys and Blasco Tabasco.
Graphics by Merenguita Gingermouse

© 2001 Edizioni Piemme S.p.A., Palazzo Mondadori - Via Mondadori, 1 - 20090 Segrate
© 2021 for this Work in Persian language, Houpa Publication
International Rights © Atlantyca S.p.A. – via Leopardi 8, 20123 Milano, Italia –
foreignrights@atlantyca.it- www.atlantyca.com

Original title: ATTENTI AI BAFFI... ARRIVA TOPIGONI!

Based on an original idea by Elisabetta Dami

Translation by: Fariba Chavoshi

www.geronimostilton.com

Stilton is the name of a famous English cheese. It is a registered trademark of the Stilton Cheese Makers' Association. For more information go to www.stiltoncheese.com

No part of this book may be stored, reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without written permission from the copyright holder. For information address Atlantyca S.p.A.

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن، Atlantyca، خریداری کرده است.

رعایت «کپی رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده و ناشر خارجی، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت نویسنده‌ی آن این کار را کرده است.

سرشناسه: استیلتن، جرونیمو
Stilton, Geronimo

عنوان و نام پدیدآور: سبیل‌هایت را بپا، استیلتن! / نویسنده جرونیمو استیلتن؛
تصویرگر لری کیز؛ مترجم فریبا چاوشی.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۳۶ص: مصور(رنگی).

فروست: ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور؛ ۱۷.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۶-۲ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۶-۲ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: ATTENTIAL BAFFI ... ARRIVA TOPIGONI.
موضوع: داستان‌های کودکان (ایتالیایی) -- قرن ۲۰م.
موضوع: Children's stories, Italian -- 20th century

شناسه افزوده: کیز، لری، تصویرگر

شناسه افزوده: Keys, Larry

شناسه افزوده: چاوشی، فریبا، ۱۳۶۷ - ، مترجم

رده بندی کنگره: PQ۴۸۶۲

رده بندی دیویی: ۸۵۳/۹۱۲ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۲۷۶۳۴

ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۷ سبیل‌هایت را بپا، استیلتن!



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا
محفوظ است.

استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و
معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی

ویراستار: مریم محمدطاهری

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: بهار یزدان‌سیاس

تایپوگرافی: مهدخت رضاخانی

چاپ دوم: ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۶-۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۶-۲

تحریریه‌ی روزنامه‌ی
جریده‌ی جوندگان



در جزیره‌ی ماکاموشی کی چه کاره است؟



ته‌آ استیلتن

خواهر جرونیمو و خبرنگار
ویژه‌ی جریده‌ی چوندگان



جرونیمو استیلتن

موش زیرک و خوش فکر،
سردبیر جریده‌ی چوندگان



بنجامین استیلتن

موشچه‌ی نه‌ساله‌ی شیرین
و دوست‌داشتنی،
برادرزاده‌ی تودل‌بروی جرونیمو



تراپولا استیلتن

یک موش دلقک و بی‌نمک،
پسرعموی جرونیمو و صاحب
مغازه‌ی خرت‌وپرت‌فروشی

دوستان موش‌موشی عزیزم!
به دنیای **جرونیمو استیلتن** خوش آمدید!



موش غُرّان

صبح آفتابی یکی از روزهای ژوئیه بود. خورشید خیلی داغ بود، جوری که می شد کف پیاده رو ساندویچ پنیر بپزی. رفتم غذاخوری نبش خیابان که صبحانه بخورم، مثل همیشه. یک قهوه و **کلوچه ی پنیری** سفارش دادم، مثل همیشه. بعد رفتم دکه ی روزنامه فروشی، مثل همیشه. می خواستم نسخه ی تازه چاپ شده ی روزنامه ام را بگیرم...





ای وای! دوباره یادم رفت خودم را معرفی کنم... اسم من استیلتن است، **جریده‌ی جوندگان** استیلتن. من سردبیر

محبوب‌ترین روزنامه‌ی اینجا، جزیره‌ی ماکاموشی.

داشتم می‌گفتم، رفتم نسخه‌ای از روزنامه‌ام را بگیرم مثل همیشه، ولی یک چیز مثل همیشه نبود، نتوانستم یک نسخه از روزنامه‌ام را هم پیدا کنم، حتی یک دانه!

خیلی گیج شدم. باید از روزنامه‌فروش می‌پرسیدم چه خبر شده. گفتم: «ببخشید **پنجه‌جوهرک!** من دنبال نسخه‌ی همیشگی

جریده‌ی جوندگان می‌گردم.»

انگار **پنجه‌جوهرک** معذب شد. چون سبیل‌هایش را خاراند و

گفت: «ااا... اووووم... جریده‌ی جوندگان ندارم!»

آن لحظه دیگر خیلی بیشتر گیج شدم. «آخه چرا؟ همه‌ش رو فروختی؟»

پنجه‌جوهرک سرش را به نشانه‌ی «نه» تکان داد و زل زد به پنجه‌هایش.

تندتند گفت: «آقای استیلتن، راستش رو بخواهید... من دیگه جریده‌ی جوندگان نمی‌فروشم.»



باورم نمی‌شد گوش‌های گنده‌ی موشی‌ام چی شنیده‌اند. «از کی؟»

پنجه‌جوهرک به کپه‌ی روزنامه‌ها اشاره کرد. عنوان همه‌شان یک چیز بود: **موش غُرّان!**

توضیح داد که: «امروز صبح یک موش **تک‌پشم** اومد اینجا. یک خروار پول بهم داد که هیچ روزنامه‌ای به جز موش غُرّان نفروشم. بعدش هم همه‌ی نسخه‌های جریده‌ی جوندگان رو برداشت و برد.»

زل زدم به **پنجه‌جوهرک**.

جیرم در نمی‌آمد.

پنجه‌جوهرک گفت:

«متأسفم آقای استیلتن...»

... ولی کاسبی کاسبیه!»

چکی را جلوی پوزه‌ام

تکان تکان داد که از

طرف موش غُرّان

بود.





صفرهایش حتی از سوراخ‌های یک قالب پنیر سوئیسی غول‌آسا هم بیشتر بود.

ماجرا از یک کپه پنیر بوگندو هم بیشتر بو داشت!

دود از کلاه بلند شد. نسخه‌ای از موش غُرّان را برداشتم. می‌خواستم ببینم آن موش تک‌چشم دنبال چی بوده. همین‌که چشمم خورد به گزارش صفحه‌ی اول، سبیل‌هایم فر خورد.



موش تک چشم

بدوبدو رفتم سمت اداره، تا پنجه‌هایم جان داشت، دویدم. باید می‌فهمیدم اوضاع از چه قرار است! توی راه، از کنار یک کتاب‌فروشی رد شدم. به ویتترینش نگاه کردم، مثل همیشه. پشت شیشه‌اش همیشه نسخه‌ای از جدیدترین کتابم را به نمایش می‌گذاشتند.

ولی آن روز صبح مثل همیشه نبود. کتاب جدیدم توی ویتترین نبود. دویدم توی کتاب‌فروشی. همه‌جایش را بالا و پایین کردم، اما حتی **یک کتاب** از

مجموعه‌ی خودمان، انتشارات استیلتن، پیدا نکردم. به جایش، همه‌ی کتاب‌ها چاپ انتشارات جدیدی بودند: نشر موش غُرّان!

کتاب‌فروشی
خفاش پنجه





انگار صاحب کتاب فروشی خفاش پنجه، از دیدن من دست پاچه شد. خفاش پنجه کمی **افاده‌ای** است، ولی همیشه از فروش کتاب‌های من راضی بوده.

جیرجیر کرد: «به‌گمونم خبرها رو شنیده‌اید، آقای استیلتن! متأسفم، ولی من دیگه نمی‌تونم کتاب‌های انتشارات استیلتن رو بفروشم. امروز صبح زود، یک موش تک چشم بهم پیشنهاد خوبی داد...»

خفاش پنجه چکی از طرف نشر موش غُران نشانم داد. این یکی آن قدر صفر داشت که سرم گیج رفت. **رنگم مثل یک تکه پنیر موزارلا سفید شد.** یک کلمه‌ی دیگر هم جیر نزد و از مغازه رفتم بیرون.

غُرغُر کردم: «اوضاع از اونی که فکرش رو می‌کردم، خیلی خراب‌تره.»

با عجله رفتم مرکز پنیر سوئیسی شماره‌ی هفده. سبیل‌هایم داشت **می‌لرزید.** دویدم توی دفترم. از ته دلم جیر کشیدم:

موشلا!



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!



هوپا، ناشر کتاب های خوردنی

کتابفروشی های هوپا
www.hoopabooks.ir



سایت هوپا
www.hoopa.ir



اینستاگرام هوپا
[hoopa_publication](https://www.instagram.com/hoopa_publication)



کانال تلگرام هوپا
<https://t.me/hoopabooks>

